

بازآفرینی محلات شهر زنجان در تطبیق با شاخصهای شهر ایرانی-اسلامی

(نمونه موردی: محلات حسینیه و نایب آقا)^۱

چکیده

بازآفرینی شهری در راستای احیای بافت‌ها و بناهای تاریخی با تأکید بر حفظ ارزش‌های فرهنگی و حفاظت از ثروت‌های بومی می‌تواند علاوه بر حفظ و تقویت استخوان بندي اصلی شهر، موجب رشد اقتصادی و توسعه شهری گردد و گروه‌های اقتصادی مناسبی را برای ارتقاء درآمدهای شهری ایجاد کند. از سوی دیگر شهر ایرانی-اسلامی واقعیتی است که وجود دارد و لازم است ضوابط و مقررات آن با توجه به صفات، ارزش‌ها و زبان طراحی آن تدوین و مشخص گردد. در این پژوهش که یک تحقیق کاربردی است و مبتنی بر مطالعات استنادی، روش پیمایشی-توصیفی می‌باشد، تلاش شده است ضمن تبیین معیارها و شاخصهای شهر ایرانی-اسلامی به بررسی وضع موجود در محلات حسینیه و نایب آقا در شهر زنجان پرداخته شود. عوامل دخیل در بازآفرینی شهری که مطابق با شاخصهای شهر ایرانی-اسلامی است مشخص شده و به دنبال آن معیارهایی برای بازآفرینی محلات تاریخی ارائه شده که با رعایت آن‌ها محلات هدف بازآفرینی، انطباق پذیری بیشتری با اصول شهر ایرانی-اسلامی خواهد داشت. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در محدوده مورد مطالعه، حفظ برج و باروی تاریخی شهر و تکیه حسینیه به عنوان اصول اصلی شهر ایرانی-اسلامی بایستی در اولویت طرح قرار گیرد. بنابراین شناخت دقیق شاخصهای شهر ایرانی اسلامی گامی مهم در بازآفرینی الگوی شهر است.

اهداف پژوهش:

۱. آشنایی با اصول معماری شهرهای ایرانی و اسلامی.
۲. یافتن معیارهای مطلوب برای بازآفرینی محلات تاریخی با تکیه بر اصول شهرهای ایرانی-اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. معیارها و شاخصهای شهر ایرانی-اسلامی کدام‌اند؟
۲. آیا در بازآفرینی‌های شهری می‌توان الگوی شهرهای ایرانی-اسلامی را به عنوان را الگوی طراحی انتخاب کرد؟

واژه‌گان کلیدی: بازآفرینی الگوی شهری، شهر ایرانی-اسلامی، محلات تاریخی، شهر زنجان.

^۱- این مقاله برگرفته از رساله دکترای نویسنده اول فرناز ناصری با عنوان "شناسایی و تبیین عناصر موردنیاز برای بازآفرینی شهری در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد" به راهنمایی دکتر مجید شهبازی و استاد مشاور دکتر هونم ثبوتی در دانشگاه آزاد اسلامی زنجان می‌باشد.

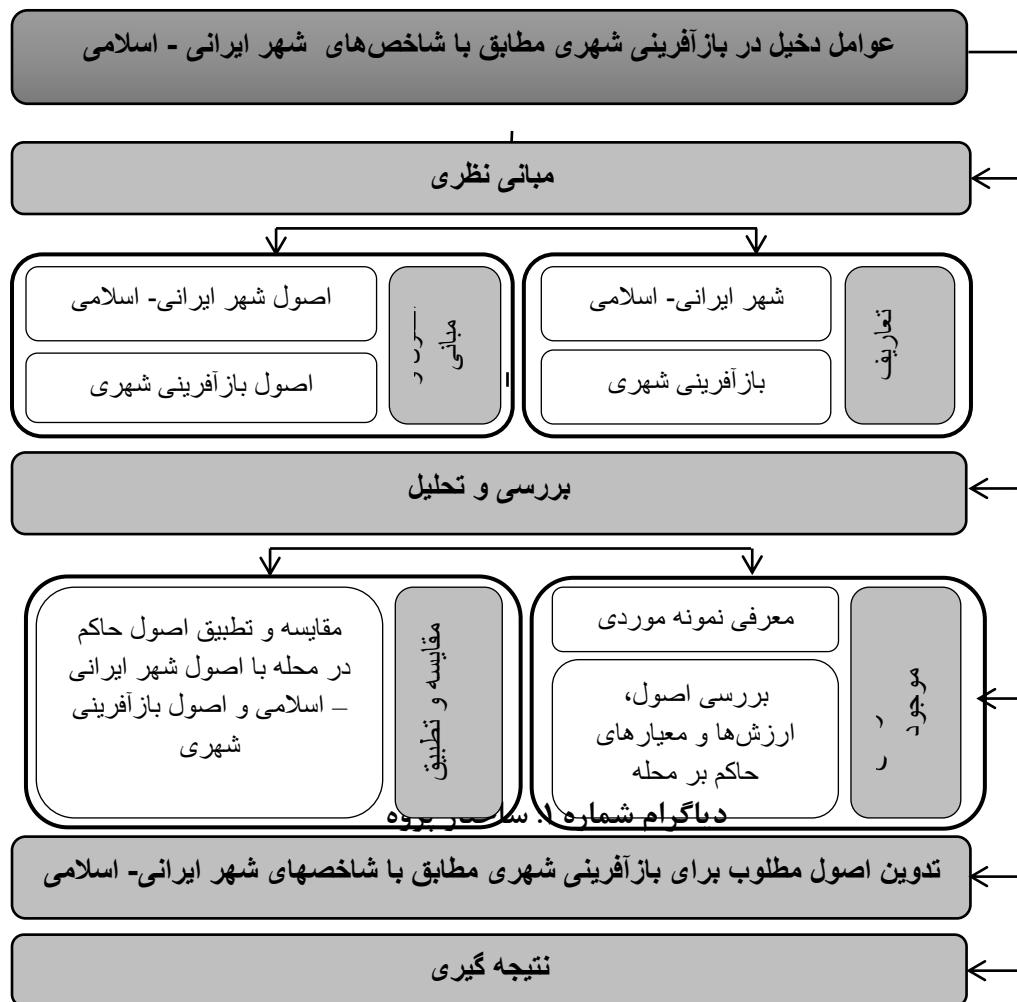
مقدمه

بی تردید «تغییر» لازمه زندگی بشر و تداوم و تکامل است و با میزان و شتاب متفاوت، ردپایی را از خود در زمان و مکان بر جای می‌گذارد. در دهه‌های اخیر رشد شتابان شهرنشینی، توسعه و گسترش بی‌رویه شهرها، تنگناها، معضلات و پیچیدگی‌هایی را به همراه داشته است. از پیامدهای این پدیده، شدت یافتن ضربانه‌گ "تغییر" فضایی- کالبدی شهرها به‌طور اعم و مراکز شهری، بافت‌های کهن و اصولاً بخش‌های مرکزی شهرها به‌طور اخص بوده است که اغلب سبب افت منزلت‌های اجتماعی، نابسامانی در سازمان فضایی- کالبدی، زوال اقتصادی و ناکارآمدی کارکردی در این محدوده‌ها شده است. فرایند تغییر و تحول، همواره تابع ساز و کارها و نیروهای خاصی است که بررسی آن‌ها می‌تواند منطق و الگوی فضایی شهر را در هر دوره مشخص کند. شهرهای ایرانی- اسلامی در مسیر تحول خود در یک‌صد سال اخیر با تحولات عمیق کالبدی و فضایی رو به رو بوده‌اند. یکی از عواملی که می‌تواند به عنوان معیاری، در نحوه دگرگونی، مدنظر قرار گیرد، تحلیل ساختار کالبدی فضایی شهر است. شهر به‌مثابه بستر زندگی جمعی در جوامع مختلف ویژگی‌های متفاوتی داشته است. بررسی روند شکل‌پذیری شهرهای مختلف در تاریخ، اثرپذیری آن را از مؤلفه‌های اقلیمی، محیطی، اعتقادی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و دینی نشان می‌دهد. بررسی پیشینه شهر و شهرنشینی در اسلام، نشان می‌دهد که پایه‌های بنیادین شهر در ابتدا با اهداف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی شکل گرفته است. با تثبیت سیاسی و ظهور دولت‌های مقدر مسلمان نظیر امویان و عباسیان و پیدایش قدرت‌ها و امپراتوری‌های منطقه‌ای نظیر عثمانیان و صفویان، الگوی مشخص و تعریف‌شده‌ای از ساخت و شکل شهر ارائه شد که در قلمرو حکومت‌ها بارها مورد استفاده قرار گرفت. امروزه نبود الگویی متناسب با بستر اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی کشور و تکیه بر الگوهای وارداتی، تصمیم‌گیران را با مشکل رو به رو کرده و این موضوع یکی از عواملی است که میزان تحقق اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها را به حداقل رسانده است. در کشور ایران برخلاف سنت شهرسازی ایرانی- اسلامی، عناصر جدید الگو گرفته شده از غرب زمین همچون خیابان‌ها، بزرگراه‌های سواره، آپارتمان‌های مسکونی، برج‌های تجاری و اداری و ... مورد توجه مسئولان و مدیران شهرهای امروزی قرار گرفته و هر روز گستره‌تر از قبل باعث تخریب بافت محلات موجود گردیده‌اند؛ روندی که سبب گستالت روابط اجتماعی و ایجاد بی‌ هویتی در ساکنان شهرها گردیده و ادامه آن تبعات مخاطره‌آمیز مادی و معنوی فراوانی به همراه خواهد داشت لذا انجام پژوهش بنیادی در ایجاد ساختار فضایی مناسب می‌تواند گامی مهم در تحقق ساختار فضایی شهری مناسب باشد.

در دهه‌های اخیر، پژوهشگران مطالعات تخصصی بسیاری در زمینه شهر اسلامی و ویژگی‌های آن انجام داده‌اند که هدف تمامی آن‌ها شناخت و تحلیل سازوکارهایی است که در شکل‌گیری، تحول و توسعه شهر اسلامی دخالت داشته‌اند. این مطالعات بیشتر بر گونه‌شناسی بافت شهری و شناخت اصول مرتبط با طراحی و بنیان شهر متمرکز بوده است (Akbar, ۱۹۸۸; Hathioul, ۱۹۹۶; Ben-Hamouche, ۲۰۰۳; Hakim & Zubair, ۲۰۰۶; Hakim, ۲۰۰۷). کونشو(۱۳۸۴) در کتاب «تاریخ شهرسازی جهان اسلام» بر آن است که پیچیدگی موجود در شهرهای

تاریخی مسلمانان علاوه بر بافت، بر ساخت و توزیع فضایی عناصر شهر نیز تأثیر گذاشته است؛ به گونه‌ای که ویژگی فضاهای شهری این شهرها بر اساس کیفیت فضاهای معمارانه و استخوان‌بندی انداموار آن‌ها شکل و تجلی یافته است. مهم‌ترین ویژگی اصلی این فضاهای آرایش و چیدمان فضایی شهر با آگاهی کامل از طبیعت، توسعه، فعالیت‌های اجتماعی و تناسب آن با مشغله‌های فردی است؛ به طوری که در عملکردها و تناسب‌ها رعایت شده است و هر عملکرد رابطه مستقیمی با مقیاس خود دارد. شکویی (۱۳۷۸) در کتاب «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا» معتقد است که ساختار کالبدی نتیجه‌ای از فرایندهای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی است. به دلیل ماهیت، ویژگی و عملکرد خود می‌تواند به عنوان مبنایی برای نحوه دگرگونی و تحول شهر اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

پژوهش حاضر بر آن است تا به واکاوی چگونگی بازآفرینی محلات قدیم بپردازد. در این چارچوب، این تحقیق که یک تحقیق کاربردی است و مبتنی بر مطالعات اسنادی، روش پیمایشی- توصیفی می‌باشد بر پایه شناخت کلی موضوع، انواع بافت‌ها و شیوه‌های مداخله صورت گرفته و بر اساس مطالعات میدانی و مرور اسناد و اطلاعات حاصله از منابع کتابخانه‌ای تهیه شده است. با ساختاری که در دیاگرام شماره ۱ نشان داده شده است به دنبال یافتن معیارهای مطلوب برای بازآفرینی محلات تاریخی با تکیه بر اصول شهرهای ایرانی - اسلامی است. ناگفته نماند تجربیات و اندوخته‌های نگارندگان در امر احیا و نوسازی بافت‌های فرسوده، نقش مؤثری در انجام این پژوهش داشته است.



نتیجه‌گیری

یکی از سیاست‌های کلان راهبردی دولت، سیاست سند ملی راهبردی مربوط به احیا، نوسازی و توامندسازی بافت‌های کهن فرسوده و ناکارآمد کهن شهرهای ایران که در سال ۱۳۹۳ به تصویب هیئت محترم وزیران رسیده است. این سیاست به دنبال ناکامی‌های حاصل از عملکرد پیشین دولت در مواجهه با بافت‌های تاریخی اتخاذ شده که رویکرد آن عمدتاً متکی بر رهیافت‌های دستوری و یکسو از بالا به پایین متمرکز بوده است. اگرچه در بینش جهانی در کشورهای پیشرفته، در باب حفاظت از ارزش‌های فرهنگی تاریخی در محیط‌های شهری، تجارب شایسته‌ای وجود دارد اما این بینش در کشورهای در حال توسعه و عقب نگهداشته شده که تصادفاً بافت‌های با ارزشی هم دارند، هنوز حل و فصل نشده و همه بافت‌های تاریخی آن ابعاد ناشایست و غیر قابل تحملی را به خود گرفته است. این وضعیت در محیطی است که هویت‌های تاریخی شهرها را مورد هدف قرار می‌دهد. مگر نه این است که تجربه‌های مدنیت اقوام در بستر تاریخ آن قوم انشایته می‌شود و قطع نمودن ارتباط جوامع با تاریخ هم موجبات گسیختگی فرهنگ و تمدن را فراهم خواهد ساخت. ایجاد تکوین و تطور شهرهای کهن نیز مستثنی بر این قاعده نمی‌تواند باشد. به عبارت دیگر، از آنجایی که شهرها در درازمدت و به‌کندی، متناسب با اوضاع واحوال اجتماعی، طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و ... ساکنان آن پدید می‌آیند، بنابراین نسبت به شهرهایی که به‌کندی و بدون عنایت به پدیده‌های مزبور ایجاد شده‌اند. کارآمدتر و پایدارترند. از این نظرگاه است که بافت‌های تاریخی شهرها از ابعاد گوناگون دارای اهمیت شایسته‌اند و لاجرم توجه به آن‌ها از ضروریات مدیریت شهری است، چراکه استقرار بافت‌های تاریخی در مرکز شهرها، موجبات وحدت‌بخشی به پیکره شهر را فراهم ساخته و از گسیختگی آن جلوگیری می‌نماید. بافت‌های تاریخی، بنها، بدنه‌ها، علائم ارزشمند تاریخی - فرهنگی را در خود جای‌داده و عالی‌ترین نشانه‌های هویت شهری را عرضه نموده و خاطرات شهری شهروندان را زنده می‌نمایند. وجود عناصری همانند مساجد تاریخی، راسته‌های بازار، حسینیه‌ها، امامزاده‌ها، آبانبارها، کاروانسراه‌ها، دواوین حکومتی، خانه‌های ارزشمند تاریخی و ... در این محلات و اهمیت یافتن بار فرهنگی، هنری، سنتی شهر در ارتقا مدنیت شهری بی‌همتاست. اهمیت داشتن این محلات در برنامه‌های مربوط به خدمات‌رسانی در هنگامه وقوع بحران‌های طبیعی و مصنوعی و حل مشکلات مربوط به ناکارآمدی شبکه‌های ارتباطی و جبران خدمات شهری برای شهروندان و ساکنین بافت. نتایج حاصل از مورد مذاقه قرارداد تجارب جهانی در بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری نشان‌دهنده این واقعیت است که در این زمینه سؤالات عدیدهای هنوز بدون پاسخ است و نظریه‌های پویای مداخله در بافت‌های تاریخی و فرسوده به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به‌طور تجریدی و انتزاعی در حل مشکلات به وجود آمده فاقد کارآیی مورد انتظار است اما استفاده موردي از اين ثوريها به‌طور تلفيقی می‌تواند مفيد فايده باشد.

منابع:

- اسماعیلی برلیان، مجید. (۱۳۸۹). «سیما و بافت شهرهای اسلامی». ماهنامه شوراه‌ها، شماره ۵۳، ۵۹-۶۴.
- پوراحمد، احمد. (۱۳۷۰). جغرافیا و ساخت شهر کرمان. تهران: انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- پوراحمد، احمد؛ کیومرث حبیبی و کشاورز، مهناز. (۱۳۸۹). «سیر تحول مفهوم بازارآفرینی شهری به عنوان رویکرد نو در بافت‌های فرسوده شهری». ۱، ۱-۲۴.
- حمیدی، مليحه و همکاران. (۱۳۷۶). استخوان‌بندی شهر تهران. جلد اول، بررسی مفاهیم و نمونه‌ها (ایران‌جهان)، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، تهران: معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران.
- حکیم، بسیم سلیم. (۱۳۸۱). شهرهای عربی - اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی، ترجمه محمدحسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رحمتی دلیر، ثریا؛ ملک حسینی، عباس. (۱۳۹۸). «بررسی میزان انطباق پذیری مدیریت شهری ایران با اصول حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر کنگاور)». مطالعات هنر اسلامی، ۱۵(۳۳)، ۱۶۴-۱۸۹.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۸). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- علوی زاده، سیده الهام؛ اسلامی، سید غلامرضا و حبیب، فرح. (۱۳۹۷). «تبیین الگوی شبیه فرکتال در ساختار زمینه محور بازارهای سنتی ایرانی». مطالعات هنر اسلامی، ۱۴(۲۹)، ۲۸-۵۷.
- فرشیدی، حسین. (۱۳۸۹). «درآمدی بر ارزش‌های حاکم بر شهرسازی ایرانی - اسلامی». ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی و پژوهشی شوراه‌ها، شماره ۳، ۵۳.
- کلانتری خلیل‌آباد؛ حسین و دیگران. (۱۳۸۴). فنون و تجارب برنامه‌ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کونئو، پائولو. (۱۳۸۴). تاریخ شهرسازی جهان اسلام. ترجمه سعید تیزقل منوری، تهران: شرکت عمران و بهسازی.
- مروتی، سهراب؛ دارابی، فرشته. (۱۳۹۳). «ارائه مدل ارزیابی شهر اسلامی با رویکردی بر شاخص‌های بارز شهر اسلامی در قرآن کریم». مدیریت شهری، شماره ۳۴، ۱۶۹-۱۵۳.
- لطیفی، غلامرضا؛ صفری چاک، ندا. (۱۳۹۱). «بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی اسلامی بر پایه اصول نوشهر گرایی». فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۷، ۱۲-۳.

مرکز آمار ایران. (۱۳۸۶). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. زنجان: ۱۳۸۵

مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو. (۱۳۸۳). شهرنشینی در اسلام. جلد اول، ترجمه مهدی افشار، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.

منصوری، سید امیر. (۱۳۹۲). «سازمان فضایی در شهر اسلامی ایران». *فصلنامه هنر و تمدن شرق*, ۱، ۵۳-۶۴.

نقی زاده، محمد. (۱۳۸۷). شهر و معماری اسلامی(تجلييات و عينيات). اصفهان: انتشارات مانی.

نوریان، فرشاد؛ آریانا، اندیشه. (۱۳۹۱). «تحلیل چگونگی حمایت قانون از مشارکت عمومی در بازارآفرینی شهری مطالعه موردی: میدان امام علی (عتیق) اصفهان». *نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی*, ۱۷ (۲)، ۱۵-۲۷.

Aazam, Z. (۲۰۰۷). THE SOCIAL LOGIC OF THE MOSQUE: a study in the relationships between building typology and urban morphology, Proceedings, 6th International Space Syntax Symposium, Istanbul, Turkey.

Akbar, J. (۱۹۸۸). "Crisis in the Built Environment," Singapore: Concept Mass Media.

Ben-Hamouche, M. (۲۰۰۳). "Decision-Making System and Urban Geometry: The Case of Algeria", Journal of Architectural Planning Research, 20(4).

Hakim, B. (۲۰۰۷) . "Generative Processes for Revitalizing Historic Town or Historic Heritage". *Urban Design International* ۱۲: ۸۷-۹۹.

Hakim, B., & Zubair, A .(۲۰۰۶). "Rule or the built Environment in ۱۹th Century Northern Nigeria". *Journal of Architectural& Planning Research*, 23(1): 1-26.

Hajipoor, Kh. (2007). Introduction to the evolution and development of urban restoration approaches (the period after the First World War to the millennium). *Urbanology Journal*, 2 (9&10).

Karimi, K. (1997). The Spatial Logic Organic in Iran and United Kingdom, Space Syntax First International Symposium, Proceeding Volume I. Comparative Cities, London.

Roberts, P. Sykes, H. (2000). *Urban Regeneration: A Handbook*. London: Sage

Hall, T., & Robertson, I. (2001). "Public Art and Urban Regeneration". *Landscape Research*, 26(1), 5-26.